



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

چالش‌های کیفرشناختی در استانداردسازی زندان در پرتو اسناد بین‌المللی

بهزاد مومنی مقدم^۱، حسن حاجی تبار فیروزجایی^{۲*}، مهدی کاظمی جویباری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با گسترش جمعیت زندان‌ها در کشور و همچنین ملاحظات بین‌المللی مرتبط با تأکید بر پیاده‌سازی اصول و قواعد نظام‌مند در محیط زندان، بازاندیشی و پژوهش آسیب‌شناختی از شیوه‌ی پیاده‌سازی قواعد حاکم بر زندان اهمیت یافته است. هدف ما در این مقاله چالش‌های کیفرشناختی قواعد استاندارد حاکم بر زندان در ایران با نگاهی بر اسناد بین‌المللی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این مقاله توصیفی - تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که، قواعد حاکم بر زندان در حقوق ایران در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی گرفتار تشتت شده است و اسناد بین‌المللی مرتبط نیز چندان آموزش داده نشده و پیاده نمی‌گردد. مضافاً اینکه مصلحت‌گرایی حداکثری نهادهای اجرایی-قضایی در تعامل با زندانیان، باعث دورتر شدن از پایبندی به قواعد حاکم بر زندان‌ها و همچنین برخورد افتراقی با هریک از محکومان به زندان شده است.

ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری تهیه و تدوین گردیده است.

نتیجه‌گیری: در شرایط فعلی در زندان‌های ما، تلاش جدی در جهت دستیابی به هدف التزام به قواعد زندان صورت نمی‌پذیرد عواملی چون سوءرفتار نگهبانان و کارکنان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، عدم رعایت بهداشت در زندان، تورم جمعیتی زندان‌ها، نبود فضا و شرایط مناسب از طرفی و از سویی دیگر خلاءهای قانونی و عدم نظارت کافی، همه از جمله عواملی هستند که نه تنها منجر به ناکارآمدی مجازات و عدم اصلاح مجرم و جرم‌زدائی می‌گردد بلکه اسباب گسترش جرم و مجرم‌پروری را نیز فراهم آورده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

واژگان کلیدی:

زندان

قواعد حاکم بر زندان

کیفرشناسی

اسناد بین‌المللی

* نویسنده مسؤول:

حسن حاجی تبار فیروزجایی

آدرس پستی: ایران، قائمشهر،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر،

گروه حقوق.

کد پستی: ۴۷۶۵۱-۶۱۹۶۴

تلفن: ۱۱-۴۲۱۵۵۰۲۵

پست الکترونیک:

hajitabar@yahoo.com

۱. مقدمه

از جمله قواعد مهم و استاندارد حاکم بر زندان چه در ایران و چه در اسناد بین‌المللی در خصوص اختصاص فضای کافی برای شخص زندانی می‌باشد که متأسفانه این استاندارد جهانی در ایران رعایت نمی‌شود. به علت کثرت جمعیت کیفری، برنامه‌های اصلاحی موفقیت‌آمیز نبوده به طوری که متهمان و محکومان سابقه‌دار و محکومین بی‌سابقه هم‌زیستی اجباری داشته و نهایتاً برای فعالیت‌های بزهکارانه در آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین عامل تراکم جمعیت از جمله عواملی است که زمینه بازپروری و اصلاح و درمان بزهکاران را دشوارتر می‌کند. امروزه با توجه به اینکه مجازات حبس از جمله مجازات‌های مهم در حقوق کیفری ایران است و اسناد بین‌المللی متعددی در خصوص آن به رسمیت شناخته شده‌اند، کیفرشناسان با مطالعه و تحقیقات مختلف راهکارهایی را در جهت افزایش اثربخشی این مجازات پیشنهاد داده‌اند. با توجه به اینکه مشکلات زندان در غالب کشورها یکسان هستند، لذا پیشنهادات مرتبط با رفع این مشکلات قابلیت استفاده در دیگر کشورها را خواهند داشت. راهکارها گاه با تمرکز بر بهبود شرایط حبس و گاه نیز با تلاش در جهت اصلاح رویه‌های زندانبانی سعی در قابل تحمل نمودن حبس و شرایط آن در جهت تحقق اهداف اصلاح‌مدار و بازپرورانه‌ی مرتبط می‌نمایند. لذا استانداردسازی هرچه بهتر زندان‌های کشور، آن هم با نظر به اسناد بین‌المللی از اولویت و اهمیت فراوان برخوردار است. معمولاً در این حوزه یک نقد ثابت وجود دارد مبنی بر اینکه تلاش برای تهیه و تدوین یا اصلاح یک سند غیرالزام‌آور بسیار بیشتر از سرمایه‌گذاری برای اجرای آن است. اگرچه این دغدغه در بیشتر موارد بجاست، لیکن مسأله مجموعه قواعد ماندلا متفاوت است. این مجموعه ارشادی - توصیه‌ای در کل دنیا به عنوان یک ابزار ارزیابی شرایط لازم برای نگهداری زندانی و نحوه رفتار با وی و نیز به عنوان یک مبنا برای تدوین مقررات ملی ناظر به زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه فرایند بازنگری این مجموعه مورد نقد می‌باشد لیکن نتایج آن به دلیل هماهنگ‌سازی قواعد حداقلی با استانداردهای مدرن از یک سو و پرداختن مفصل و با جزئیات به برخی از موضوعات

یک تحول تاریخی محسوب می‌شود. در نهایت اینکه این برای اولین بار است جامعه بین‌المللی وظیفه بازنگری یک سند غیرالزام‌آور، توصیه‌ای یا ارشادی تن می‌دهد. علاوه بر این، شیوه بازنگری گزینشی که در این سند معیار انجام اصلاحات بوده‌اند ولی می‌تواند به عنوان یک الگو نسبت به سایر استانداردهای موجود مرتبط مورد استفاده قرار گیرد. مجموعه قواعد حداقلی نحوه رفتار با زندانیان، از ابتدا تا کنون به عنوان یک مرجع جهانی شناخته شده و دربردارنده هنجارهای حداقلی قابل اعمال در زمینه مدیریت مؤسسات زندان و اصلاح و درمان بزهکاران محسوب می‌شود و در تدوین سیاست‌ها، رویه‌های کیفرشناختی دولت‌های عضو، در سطح دنیا نقش سازنده‌ای داشته است. این مجموعه بدنبال یک فرایند بازنگری عمیق در سطح بین دولتها و در جهت توجه و انطباق با حقوق بین‌الملل و علم کیفرشناسی برآمده است تا پاسخگوی مقتضیات اداره زندان در قرن ۲۱ باشد. این قواعد می‌تواند در کاهش توسل به حبس، بهبود شرایط زندان و مدیریت آن و نیز مساعدت در بازسازی اجتماعی زندانیان پس از خروج از زندان مؤثر واقع شود. سوال مهمی که در این مقاله با آن مواجهه بودیم این بود که، چه عواملی اسباب حدوث چالش‌های کیفرشناختی در استانداردسازی زندان را در زندان‌های ایران فراهم آورده است؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت که فاکتورهایی چون: سوءرفتار نگهبانان و کارکنان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، عدم رعایت بهداشت در زندان، تورم جمعیتی زندان‌ها، نبود فضا و شرایط مناسب از طرفی و از سوی دیگر خلاءهای قانونی و عدم نظارت کافی بر زندان از جمله عواملی است که چالش‌های کیفرشناختی را در خصوص استانداردسازی زندان‌ها با عنایت به اسناد بین‌المللی ایجاد نموده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله به اصول اخلاقی و حرفه‌ای پایبند بوده‌ایم و از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری این مقاله تهیه و تدوین گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله توصیفی - تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که، قواعد حاکم بر زندان در حقوق ایران در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی گرفتار تشتت شده است و اسناد بین‌المللی مرتبط نیز چندان آموزش داده نشده و پیاده نمی‌گردد. مضافاً اینکه مصلحت‌گرایی حداکثری نهادهای اجرایی-قضایی در تعامل با زندانیان، باعث دورتر شدن از پایبندی به قواعد حاکم بر زندان‌ها و همچنین برخورد افتراقی با هریک از محکومان به زندان شده است.

۵. بحث**۵-۱. پیشینه تحقیق**

۱- فرقدان، علی اصغر (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان: سازمان بهداشت جهانی سلامت روان و زندان چالش‌های پیش رو به این نتیجه رسیده است که: در زندان‌های ایران تناسب بین زندان و زندانی وجود ندارد یعنی تعداد زندانیان خیلی بیشتر از معیارهای جهانی است که بسیاری از بیماری‌ها خواسته یا ناخواسته به ایشان منتقل می‌گردد من جمله مشکلات روحی، که زنگ خطری برای جامعه می‌باشد.

۲- حاجی تبار فیروزجائی (۱۳۸۷)؛ در پژوهشی در باب جایگاه جانشین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران این گونه مطرح کرده است که: هدف از حبس بازپروری زندانیان بوده است و از آنجا که مجازات حبس خاصه حبس‌های کوتاه‌مدت علاوه بر هزینه‌های اقتصادی که بر روی دست دولت می‌گذارند کارایی لازم در جهت اصلاح و بازپروری مجرمین را ندارند. بر همین اساس امروزه سیاست‌گذاران جنائی ایران در راستای حبس‌زدایی و منع استفاده بی‌رویه از مجازات حبس، اقدام به تدوین قانونی تحت عنوان مجازات‌های اجتماعی زندان نموده‌اند.

۳- جواهری (۱۳۹۰) در بررسی اثرات و تبعات مجازات حبس در نظام عدالت کیفری و اندیشه‌های جانشینی جریمه‌های بدل از حبس را این گونه عنوان می‌کند که: از آنجایی که تحقیقات گسترده دکترین حقوقی در قبال کیفر حبس به جایی نرسید طرخی را با عنوان کاهش کیفری جمعیت زندان‌ها پیش کشیده شد که این مشکل را تا حدودی مرتفع نماید. «از این رو طرح اندیشه‌های جانشین زندان و مکانیسم‌های کاهش جمعیت کیفری با رویکردی نوین به مقوله زندان و زندانبانی به عنوان الگویی کارساز و فایده‌مند جهت برون‌رفت از این معضل مورد استقبال واضعان عرصه سیاست جنایی قرار گرفته است».

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

با عنایت به پیشینه‌ای که ذکر گردید با توجه به اینکه در تحقیقات انجام گرفته صرفاً به ارائه کلیاتی از چالش‌های کیفرشناختی قواعد استاندارد حاکم بر زندان پرداخته، و یا در مواردی به ارائه کلیاتی از حقوق زندانیان در زندان‌ها پرداخته شده است و نقص تحقیقاتی وجود داشته ضمن اینکه در این مقاله به چالش‌های کیفرشناختی در استانداردسازی زندان در پرتو اسناد بین‌المللی پرداخته شده است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

از جمله استانداردهای زندان میزان هر زندان نسبت به تعداد زندانیان می‌باشد. سرانه هر زندانی در ایران از لحاظ محیطی و دیگر استانداردهای جهانی کمتر از حد ممکن است. و به همین خاطر زندانیان در شرایط مطلوب روحی، جسمی و بعضاً بهداشتی قرار ندارند. اهمیت بحث از استانداردها به دلیل تعداد بالای زندانیان در ایران (بالغ بر ۵۹۶ هزار زندانی)، به چند دلیل مهم است: اول اینکه آیا این استانداردها با توجه به وضعیت کشور قابلیت تغییر و یا بومی‌سازی دارند. ثانیاً کمبودها اسباب چالش‌هایی را فراهم نموده که فضای کلی حاکم بر قواعد و استانداردها در زندان نامطلوب توصیف گردد. بحث مفصل از این جنبه‌ها را می‌توان نشان از اهمیت این موضوع در کشور دانست.

۵-۴. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که ما در این تحقیق با آن روبه‌رو بودیم این بود که محقق دسترسی به آمار دقیق از تعداد زندانیان، و بعضاً طبقه‌بندی زندانیان در کشور و زندان‌های خاص نداشته است.

۵-۵. مفاهیم

در این قسمت سعی شده است که مفاهیم کلیدی را از منظر اصطلاحی به شیوه معمول در مقالات علمی، تعریف نماییم. در همین راستا مفاهیمی نظیر: کیفر، کیفرشناسی، مبنای کیفر، و زندان در ذیل از منظر حقوق جزا مورد مطالعه قرار گرفته است. در ابتدا لازم است تعریفی جامع از مفاهیم کلیدی ارائه گردد.

۵-۵-۱. کیفر در اصطلاح

در اصطلاح، کیفر عبارت است از تنبیه و کیفری که بر مرتکب بزه اعمال می‌شود. کیفر توأم است با رنج و تعب و همین رنج و تعب مشخصه حقیقی کیفر و موجب تفکیک آن از سایر اقدامات پیشگیری و جلوگیری از وقوع بزه و نیز اقدامات مربوط به جبران ضرر و زیان در دعاوی حقوقی می‌شود (۱).

تصور ما از کیفر و مسئولیت حاکی از ارتباط مفهومی محکمی میان آنهاست. کیفر نشان‌دهنده نقطه‌ای است که هر انسانی به خاطر ارتکاب عملی خلاف، مسئول شناخته می‌شود. مسئولیت، درک مفهوم کیفر را برای ما امکان‌پذیر می‌سازد.

کیفر باید فرصتی را برای فرد متخلف فراهم نماید که خود را مجدداً با جامعه‌ای که او را در قبال عملی خلاف مسئول می‌داند هماهنگ کند. این گفته می‌تواند در مورد کیفری که در خانواده اعمال می‌شود نیز صدق کند: کودک به خاطر «تخلف» خود تنبیه می‌شود و سپس بار دیگر مورد محبت والدینی که در مورد عمل او قضاوت کرده‌اند قرار می‌گیرد. از این لحاظ، کیفر تخلف را از بین می‌برد. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که در زمان ما کیفر این‌گونه عمل می‌کند. اما ایرادهای معین و روشنی بر این ادعا وارد است که کیفر، افراد متخلف را قادر می‌سازد که «دین» خود را ادا کنند و نقش خود در جامعه را از سر بگیرند. نخستین ایراد این است که

ادعای فوق، اعدام را که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل کیفر در طول تاریخ بوده، دربرنمی‌گیرد. دیگر اینکه، اگر به قوانین جدید مربوط به مجرمان حرفه‌ای که معتاد به ارتکاب جرم هستند، به ویژه به عمومیت قوانینی که حبس ابد را برای جنایت خشونت‌باری که برای بار سوم انجام گرفته وضع می‌کنند («با سه ضربه نقش بر زمین خواهد شد») نظر کنیم، به سختی می‌توانیم شاهد توجهی زیاد به این اصل باشیم که کیفر تخلف را از بین می‌برد. اگر کیفر واقع جرم را از بین می‌برد، هیچ عاملی که توجیه‌کننده افزایش کیفر برای جرم بار دوم و سوم باشد وجود نمی‌داشت (۲).

۵-۵-۲. کیفرشناسی

کیفرشناسی عبارت است از مطالعه مجازات سالب حقوق، آزادی، اعدام و اقدامات تربیتی. به این ترتیب، علم اداره زندان‌ها در دل کیفرشناسی قرار می‌گیرد. پس کیفرشناسی بطور کلی علم اداره زندان‌ها بطور خاص با جرم‌شناسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارند (۳).

در واقع کیفرشناسی علمی است که از اهداف مجازات‌ها و تدابیری که جنبه‌ی پیشگیری از جرم را دارند بحث می‌کند و بهترین راهکارهای که اجرای آنها ما را برای رسیدن به این اهداف کمک می‌نماید، آشنا می‌سازد. کیفرشناسی دو هدف را دنبال می‌نماید. الف) مشخصات ساختن اهداف مجازات‌ها و تدابیری که برای پیشگیری از جرم از یک طرف ارائه می‌دهد. ب) بهترین راهکارهای اجرای آنها را نشان می‌دهد و در علم مجازات، از وضعی خاص پیروی می‌شود. بلکه می‌خواهد بحث‌های تحلیلی مجردی را برای رسیدن به هر دو تصمیم خود انجام دهد و قانونگذار را ارشاد نماید و آنچه را که قانونگذار از منظر سرزمینی بودن مدنظرشان باشد و در روش‌های پزشکی قانونگذار را هدایت نماید. و یا از منظر علمی چنانچه ضروری باشد محکوم‌علیه‌م را بر اساس کاری که به آن تمایل دارند راهنمایی و ارشاد نمایند تا اسباب و عواملی را که سبب ارتکاب جرم شده‌اند درمان نموده و مجرم پس از تمام شدن مدت محکومیت بتواند در جامعه‌ای که در آن زندگی

می‌کند بصورت شرافت‌مندانه به ادامه زندگی خویش بپردازد (۴).

۵-۳- مقصود از مبنای کیفر

مقصود از مبنای کیفر همان چرایی می‌باشد، یعنی معیار و ملاکی که جهت تعیین میزان خاصی از کیفر مورد بهرمندی قرار می‌گیرد این همان مصالحی است که مقنن به آن واقف است و با وضع کیفر، خواهان مقابله با رفتارهای مغایر با آن مصالح بوده است. در هر صورت واقعیت آن است که شناخت مبنای حقوق جزا با تشخیص اهداف آن امکان ندارد و دو مسأله مبنا و هدف حقوق با هم مسیری مشترک دارند (۵).

۵-۴- تعریف زندان

طبق آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۹ زندان محلی است که متهمین مراقبت می‌شوند معمولاً بازداشتگاه یا توقیفگاه نامیده می‌شود و زندان محل مراقبت محکومین به حبس است. در حالی که علی‌الاصول زندان به معنی اخص کلمه به محل مراقبت کسی اطلاق می‌شود که به علت ارتکاب بزه‌ی محکوم به تحمل مدتی حبس شده باشد (۶).

البته مطابق با آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم با هدف تحمل کیفر، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند.

علی‌الاصول محل نگه‌داری متهمین بازداشتگاه یا توقیفگاه نامیده می‌شود و زندان و ندامتگاه به محل نگه‌داری کسانی اختصاص دارد که محکوم به حبس یا سلب آزادی شده‌اند. اما در زبان رایج بین مردم و حتی در کتب تخصصی و قوانین گاهی واژه‌های مشترک برای بیان هر دو مفهوم بکار گرفته می‌شوند. در نظام جمهوری اسلامی ایران حتی مفاهیم و نام‌های جدیدتری نیز وضع و به کار گرفته شده -مثل «بازداشتگاه امنیتی» و «بازداشتگاه موقت»- که از لحاظ مفهوم و کارکرد تفاوتی با بازداشتگاه به معنی عرفی و اعم

کلمه ندارند. این اسامی تنها نشانگر طبقه‌بندی افراد توقیف شده و فراهم کردن زمینه برخورد متفاوت و اغلب شدیدتر با برخی از مرتکبین جرائم خاص و مسامحه با برخی دیگر، یعنی سیاست کیفری افتراقی در بخش اجرا و اعمال است (۷).

زندان محلی است که محکومان را به منظور حفظ امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی اعم از خصوصی یا عمومی و رعایت سایر حقوق زندانی به جز آنچه در حکم قید شده است و به منظور اصلاح و تربیت به واسطه‌ی جلوگیری از تکرار جرم با مجوز قضایی و به تشخیص مسئولان زندان در آن زندان در آن نگه‌داری می‌کنند (۸).

۵-۶- هدف‌سنجی میزان پایبندی به قواعد حاکم بر

زندان‌ها

به موجب ماده ۵۸ قواعد حداقل اصلاح زندانیان نیز «هدف و دلیل محکوم کردن افراد به زندان یا اقدامی مشابه در محروم‌سازی از آزادی، در نهایت محافظت از جامعه در مقابل جرم است. این منظور فقط در صورتی حاصل می‌گردد که مدت نگه‌داری فرد در زندان تا حد امکان متوجه اقداماتی شود که به تضمین این امر بپردازد که: بزهکار در هنگام بازگشت به جامعه نه تنها می‌خواهد بلکه همچنین می‌تواند با رعایت قانون زندگی خویش را اداره کند».

۵-۶-۱- حمایت‌های بهداشتی تأمینی

دسترسی مراقبت‌های بهداشتی و تأمین اجتماعی از جمله قواعد مهم نسبت به بازپذیرسازی زندانیان قلمداد می‌شود. تخمین استمرار درمان زندانیان هم برای سلامت فردی و هم سلامت جمعی از اهمیت بالایی برخوردار است. معمولاً این دسته به منظور دستیابی به خدمات بهداشتی و مرتبط با سلامت با مشکلات روانشناختی و مالی متعدد روبرو می‌شوند. در برخی از کشورها، زندانیان تحت هیچ پوشش بیمه‌ای نبوده و به هیچ کدام از این خدمات دسترسی ندارند. بر همین اساس باید قبل از آزادی، ارتباط این دسته با کلینیک‌های تشخیصی - درمانی با پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی جهت دریافت خدمات درمانی - بازپروری برقرار نمود (۶). در حقوق ایران در

ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به این مهم اختصاص داده شده است.^۱

۵-۶-۲. توجه به سن محکومان به زندان

شایسته است که به نیازهای این دسته از بزهکاران، به طور ویژه توجه نمود؛ بدین شکل که تا حد امکان محل نگهداری آنان را از دیگر زندانیان مجزا ساخت و در هیچ شرایطی آنان را

^۱ در ماده ۶۰ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی آمده است که: در بخش «تشخیص» در اسرع وقت زندانی یا متهم بازداشتی برای بررسی مقدماتی، توسط پزشک و روانشناس مؤسسه مورد معاینه و مصاحبه قرار می‌گیرد و در صورت لزوم به تشخیص پزشک یا روان‌شناس مؤسسه برای بررسی تکمیلی و تخصصی مورد آزمایش‌های پزشکی، روان‌پزشکی و آزمون‌های روان‌شناسی قرار می‌گیرد و وضعیت سلامت جسمی و روانی، علائم حیاتی، قد، وزن، بیماری فعلی، سابق بیماری‌های قبلی، داروهای مصرفی، احتمال ابتلا به بیماری‌های مسری، واکسیناسیون، پوست و مو، دهان و دندان، بینایی، شنوایی و موارد حساسیت (آلرژی)، نوع ناتوانی، وضعیت بارداری و سایر شاخص‌های پزشکی و روان‌کاوی مطابق ضوابط، بررسی و در پرونده سلامت زندانی ثبت و شرایط مناسب و ایمن برای نگهداری زندانی ناتوان یا بیمار فراهم می‌گردد و در صورت لزوم نسبت به مراقبت‌های پزشکی، درمان بیماری و یا پیشگیری از هرگونه عوارض سوء، اقدام می‌شود.

تبصره ۱ هرگاه بنا بر نتایج بررسی‌ها و مستندات بدست آمده، برای پزشک یا روان‌شناس مؤسسه، مشخص گردد که زندانی دارای ناتوانی، بیماری جسمی یا روانی است و نگهداری زندانی ناتوان در محیط مؤسسه، همراه با مخاطرات جسمی و روانی برای او یا دیگر زندانیان باشد یا شرایط مناسب و ایمن برای اقامت زندانی ناتوان فراهم نباشد و یا حبس موجب تشدید و یا تأخیر در بهبودی بیماری زندانی می‌گردد و یا چنانچه بیماری به نحوی است که مانع اجرای حبس باشد و مداوای زندانی در خارج از مؤسسه ضروری بوده یا امیدی به بهبودی بیمار نباشد، مراتب فوراً به رئیس مؤسسه اعلام می‌گردد تا در اسرع وقت به قاضی اجرا و مرجع قضایی مربوط گزارش شود و مطابق مقررات مواد ۵۰۲ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری اتخاذ تصمیم و اقدام مقتضی صورت گیرد.

تبصره ۲ در موارد فوری (اورژانسی)، زندانیان بیمار به دستور مسئول واحد بهداشت و درمان و اجازه رئیس مؤسسه یا جانشین آن‌ها به بیمارستان و مراکز درمانی خارج از مؤسسه انتقال می‌یابند و موضوع در اسرع وقت به قاضی اجرا اطلاع داده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌گردد چه در حقوق بین‌الملل و چه در حقوق ایران قوانین موثر مفیدی در راستای تأمین بهداشت و درمان زندانیان تصویب شده است. اما با رعایت نشدن قوانین و زیرپا گذاشتن حقوق زندانیان، شرایط نامساعد حبس با لحاظ فضای ناخوشایند زندان و امکانات محدود آن، عامل بالقوه‌ای در ایجاد یا تشدید صدمات و آثار مخرب فیزیکی و روانی می‌گردد. تنها راهکار این موضوع اینست که تمامی مدیران باید شیوه‌نامه‌های ابلاغی را با دقت تمام اجرا کنند و با اجرای دقیق دستورالعمل‌ها از سلامت کارکنان و زندانیان مراقبت به عمل آید. از طرفی جهت سهولت و سرعت در اجرا می‌توان از گروه‌های جهادی مردمی، نیروهای مسلح و دانشگاه‌های علوم پزشکی کمک گرفته شود.

به انجام کارهای سخت یا سنگین مجبور نساخت ولی باید آنان را در فعالیت‌های مفید مشغول و درگیر نمود. اداره بازپروری زندان کانادا در همین زمینه خدماتی را در زمینه ترک اعتیاد، سلامت روانی، یافتن شغل، بیمه درمان، بیمه تأمین اجتماعی به این دسته ارائه می‌کند. حمایت‌های سازمان‌های حمایت اجتماعی و مردم‌نهاد، در مرحله پسا حبس، با توجه به تعدد نیازهای این دسته از زندانیان و آسیب‌پذیری بالا، بویژه در یافتن محل سکونت می‌تواند در کاهش زمینه بازگشت به حرفه مجرمانه مؤثر واقع شود (۹).

ماده ۲۷ از قواعد سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی در خصوص نیازهای اطفال بزهکار و برنامه‌ریزی برای مداخله به این امر اختصاص داده شده است.^۲ در مورد اطفال و نوجوانان زندانی همان‌طور که در اسناد بین‌الملل بسیار به آن تأکید گردیده و در ایران نیز هدف از تأسیس کانون‌های اصلاح و تربیت همین بود، به وجود آوردن شرایطی متفاوت از زندان برای این گروه می‌باشد. رسیدگی به کیفر این گروه حساس بسیار متفاوت از بزرگسالان می‌باشد و باید مؤلفه‌ها و اقتضائاتی در نظر داشت که همگی مبتنی بر ارفاق، کاهش سختگیری‌ها، تسامح، رویکرد به آینده به جای نگاه به گذشته، اصلاح‌مداری و درمان‌محوری و بینش بازپرورانه باشند.

روانشناسان رفتاری معتقدند شخصیت یک فرد، در طول زندگی و از خلال تعامل با دیگران فراگرفته می‌شود. رفتارگرایان معتقدند افراد از طریق مشاهده چگونگی واکنش دیگران نسبت به رفتار آنان، رفتارها را یاد می‌گیرند. در ابتدا یک محرک یا تغییر در محیط باعث برانگیخته شدن رفتار می‌شود. اگر یک واکنش مثبت، رفتار را تقویت کند، رفتار ادامه می‌یابد و سرانجام فراگرفته خواهد شد (۱۰). تمام تدابیر تشویقی در کانون، با توجه به این موضوع است تا با تحریک و

^۲ «در اولین فرصت پس از پذیرش باید با هر نوجوان مصاحبه شود و گزارش روانی و اجتماعی حاوی تشخیص عوامل مربوط به نوع، سطح مراقبت و برنامه لازم برای آن‌ها تهیه شود و این گزارش همراه با گزارش پزشکی به مدیریت تحویل گردد تا بهترین محل مناسب برای نوجوانان در بازداشتگاه و برنامه‌های مراقبتی از آن‌ها تعیین شود.»

انگیزه‌مند ساختن آنها به حسن خلق، چنین رفتاری را در آنها نهادینه کنند.

طبیعتاً اجرای برنامه‌های از پیش تعیین شده و ثابت نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای متنوع نوجوانانی باشد که دارای شرایط فردی و خانوادگی متفاوتی می‌باشند (۱۱).

شایان ذکر است فصل سوم آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت، به مقررات انضباطی و تشویقی مددجویان اشاره داشته و قواعدی را در این زمینه وضع نموده است (۱۲).

۵-۶-۳. توجه به جنسیت زندانی

در حقوق بین‌الملل، به غیر از اصول کلی رفتار با زندانیان، قواعد و استانداردهایی نیز برای رفتار با زن زندانی وجود دارد؛ زنان از نظر مسائل روحی و روانی، فیزیکی و جسمی و حتی بهداشتی، خیلی بیشتر از مردان در معرض خطر قرار دارند و در عین حال، بسیار بیشتر از مردان مورد تجاوزهای جنسی قرار می‌گیرند. به همین دلیل، سازمان بهداشت جهانی در گزارش خود در سال ۲۰۰۹ میلادی، به صراحت بیان کرده که در مورد سیاست‌های اتخاذ شده برای بهبود سلامت و بهداشت عموم زندانیان به ویژه زندانیان زن، دولت‌ها باید اقدامات لازم را انجام دهند.

اعلامیه اصول اساسی سازمان ملل متحد برای رفتار مناسب با زندانیان مصوب سال ۱۹۹۰، سند حداقل رفتار بین‌المللی برای برخورد با زندانیان سال ۱۹۹۵، اولین کنگره سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و مجرم‌ان سال ۱۹۷۷، اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۷، قوانین اصول توکیو که اعلامیه مهمی راجع به رفتار با زنان زندانی دارد، میثاق حقوق مدنی به طور کلی در مورد زنان و مردان، اعلامیه سازمان ملل متحد برای حذف تمامی اشکال نژادپرستی در نوامبر ۱۹۶۳، اصول اخلاق پزشکی مربوط به نقش بهداشت فردی و سلامت در زندان برای حمایت از زندانیان به ویژه زنان و جلوگیری از هر نوع شکنجه و رفتار غیرانسانی، سند پیشگیری از ایدز در زندان برای حمایت از زندانیان مصوب ۲۰۰۶، زنان و ایدز در سال ۲۰۰۵ و برنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۹ برای بهداشت زنان، قواعد بانکوک تصریح می‌کند که در جدا نمودن

زنان زندانی از خانواده و جامعه، ضرورتاً باید وضعیت و روابط خانوادگی آنان مورد توجه قرار گیرد.

سازمان عفو بین‌الملل نیز از نهادهایی است که درباره بهداشت زنان و مسأله ایدز و اصولاً مراقبت از زنان در زندان صحبت می‌کند و دولت‌ها را در خصوص مسائلی که برای زنان در زندان پیش می‌آید (از قبیل خودکشی‌ها و خودسوزی‌ها، سوءاستفاده و تجاوزهای نسبت به زنان و اتفاقات غیرمترقبه) مسئول می‌داند. این سازمان همچنین دولت‌ها را موظف به استخدام پرسنل زن آموزش‌دیده دانسته و تأکید دارد که حتی خشونت‌های کلامی و تهدیدها به تجاوزهای جنسی و غیره از سوی مأموران نیز به هیچ وجه پذیرفته نخواهد بود.

در حقوق ایران ماده ۳۹ آئین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۷۲ صراحت دارد بر اینکه نگهبانان و کارکنان پوشش داخلی زندان‌های زنان بایستی از بین بانوان کارمند و متخصص زندان انتخاب شوند و ورود مردان به زندان زنان در معیت مدیران داخلی زندان انجام پذیرد.

بنابراین در حقوق ایران نه تنها نبود و کمبود قوانین مشاهده می‌گردد بلکه در عمل نیز قوانین به شکل صحیحی اجرا نمی‌گردند و متأسفانه ضمانت اجرایی وجود ندارد. در این راستا تصویب قوانین حمایتی، توجه به قوانین بین‌المللی و الهام گرفتن از آنان در رسیدگی‌های کیفری، حمایت از زنان و زندانی و تأمین نیازهای عاطفی و جسمی از طریق قراردادن برنامه‌های مشاوره‌ای درمان گروهی و تک نفره، گسترش رویه‌ها، سیاست‌ها، و فرایندهایی که به سوگیری‌ها رسیدگی کرده و قانون اساسی و قوانین را به‌طور مؤثر پیاده می‌کند، آموزش عمیق برای همه دست‌اندرکاران دادرسی کیفری در زمینه مسایل مربوط به دادرسی زنان، تدوین برنامه‌های آموزشی در مورد نحوه به کارگیری حقوق بین‌الملل و منطقه‌ای و استانداردهای حقوق بشر در زمینه دادرسی کیفری در سطح داخلی، پیشنهاد می‌گردد.

طبق آمار اعلام شده در سال ۲۰۱۰ آمار زنان زندانی نسبت به کل جمعیت، ایران از بین ۲۰۰ کشور در رتبه ۱۸ جدول قرار دارد. و طبق مطالعات مرکز بین‌المللی زندان، اعتقاد بر این است که بیش از نیم میلیون زن در سراسر جهان در بازداشت

زنان و اطفالشان یا نمایندگان قانونی اطفال، ماده ۲۸، قواعد بانکوک بر ضرورت اتخاذ تدابیر لازم جهت دیدار در یک محیط آرام و مثبت می‌پردازد.

نظام حقوقی کشور ایران نیز از این امر مهم غافل نشده و در مواد ۲۱۰ تا ۲۲۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به صورت مفصل به موضوع ملاقات زندانیان پرداخته شد است.

ضرورت ارتباط مستمر و مداوم زندانی با خانواده، این موضوع را به عنوان یک حق برای زندانی تعیین کرده است و اگر از سوی مسئولان زندان منع قانونی و قضایی وجود نداشته باشد، زندانی می‌تواند با افراد اصلی خانواده خود به طور مرتب دیدار داشته باشد. در این بین در زندان‌های ایران سعی گردیده تا خدمات ویژه‌ای نیز همچون ملاقات روزانه، ملاقات خصوصی (برای افراد متاهل) به صورت در اختیار گذاشتن سوئیت، ملاقات خصوصی با سایرین در اتاق‌ها شیشه‌ای و مرخصی ساعتی و روزانه برای حضور در منزل و یا حضور در مراسم خانوادگی در نظر گرفته گردد. با این حال به دلایل مختلفی این ملاقات‌ها با چالش‌هایی روبرو هستند از جمله مشکلات مالی، عدم طراحی فضای مناسب برای سوئیت‌ها، باورهای فرهنگی و رفتارهای سلیقه‌ای مدیران برخی زندان‌ها. بنابراین در جهت رفع چالش‌ها لازم است که مسئولین به این بعد اهمیت زیادی اختصاص داده و بودجه بیشتری در اختیار زندان‌ها قرار دهند تا شرایط را هم از جهت ایجاد فضای بیشتر و مناسب‌تر و هم از جهت آموزش و استخدام کارکنان جدید به صورت مطلوب‌تری اداره نمایند. در ضمن فرهنگ‌سازی مقوله مهم دیگری در این زمینه است که هم به اصلاح باورهای زندانیان و خانواده ایشان و هم مدیران و مسئولین زندان‌ها کمک بالقوه و موثری می‌نماید. با استناد به آیین‌نامه سازمان زندان‌ها علاوه بر زمان‌های مقرر برای ملاقات که در برنامه زندان آمده است اگر نیاز به ملاقات به وجود آمد علاوه بر رئیس زندان، مقام‌های قضایی صلاحیت‌دار و مدیرکل

محدود شده باشد، و برای برخورداری موثر از این حق باید آن گونه که لازم است به او کمک شود. هر نوجوانی باید حق داشته باشد نامه دریافت کند.^۱

به سر می‌برند. بنابراین در این زمینه لازم است که تدابیری در جهت توجه به جنسیت زنان زندانی صورت بپذیرد (۱۳).

۵-۶-۴. ملاقات زندانیان (تماس با خانواده و جامعه) بر اساس قواعد حاکم بر زندان

مجموعه قواعد حداقل نحوه رفتار با زندانیان همچنین متضمن حق زندانی بر حفظ تماس با خانواده خود، ملاقات در زندان با هدف مهیا ساختن بازگشت به جامعه می‌باشد (ماده ۷۹). به موجب این ماده: «بایستی توجه ویژه به حفظ و بهبود رابطه‌های بین زندانی و خانواده وی با توجه به مصلحت هر دو طرف معطوف شود.» تماس با خانواده برای اطفال بزهکار نیز اهمیت حیاتی دارد. در واقع حفظ یا برقراری ارتباط با خانواده و نیز دنیای بیرون از زندان شرط قبلی بازپذیری اجتماعی موفق است. نکته‌ای که در ماده ۵۹، ۶۰ و ۶۱ قواعد سازمان ملل و نیز دنیای بیرون از زندان در خصوص حمایت از اطفال محروم از آزادی مورد تأکید قرار گرفته است: به موجب ماده ۵۹: برای اطمینان از این که نوجوانان ارتباط کافی با دنیای خارج داشته باشند، که بخشی تفکیک‌ناپذیر از حق رفتار عادلانه و انسانی و برای آماده کردن نوجوانان برای بازگشت آنان به اجتماع ضروری است، هر وسیله‌ای باید فراهم شود. نوجوانان باید اجازه داشته باشند با خانواده‌ها، دوستان خود و اشخاص دیگر یا نمایندگان سازمان‌های معتبر در خارج از زندان تماس بگیرند، از مراکز بازداشت برای دیدن خانه و خانواده خود خارج شوند و اجازه ویژه به منظور ترک مرکز بازداشت برای دلایل آموزشی، حرفه‌ای یا دلایل مهم دیگر دریافت کنند. نوجوانی که دوره محکومیت خود را می‌گذراند، زمان صرف شده در بیرون از مرکز بازداشت باید به عنوان دوره محکومیت او حساب شود. در ارتباط با حق برقراری تماس

^۱ به موجب ماده ۶۰: «هر نوجوانی باید حق داشته باشد ملاقات‌های منظم و مکرر، در اصل هفته‌ای یک بار و نه کمتر از یک بار در هر ماه، در شرایطی که نیاز نوجوان برای تنهایی، تماس و ارتباط نامحدود ایجاب می‌کند با خانواده و وکیل مدافع خود داشته باشد.»

ماده ۶۱: «هر نوجوانی باید حق داشته باشد به صورت مکتوب یا با تلفن حداقل دو بار در هفته با شخص موردنظر خود تماس برقرار کند، مگر این که از نظر قانونی

برای حمایت و صیانت خانواده زندانیان باید صورت گیرد این است که مرجع صلاحیت‌دار مشخص، به طور رسمی متکفل این خانواده‌های بی‌سرپرست و در معرض متلاشی شدن را شناسایی و اقداماتی را در جهت تأمین این اهداف معمول دارد. از جمله اقداماتی که این مؤسسه می‌تواند انجام دهد: اشتغال و کاریابی برای خانواده زندانیان در جهت خودکفائی اقتصادی آنان، آموزش و پرورش و نظارت بر حسن اجرای آن برای فرزندان زندانیان می‌باشد (۱۶).

بنابراین، هنجارهای بین‌المللی از متصدیان امور زندان می‌خواهد تا برای زندانیان در درون زندان کار فراهم گردد، هرچند براساس پاراگراف دوم ماده ۷۱ از قواعد حداقل اصلاح زندانیان، تنها محکومین باید مشغول به کار شوند و نه متهمین بازداشت موقت. پاراگراف ۶ ماده ۷۱ نیز مقرر می‌دارد، مدیران زندان باید در انتخاب نوع کار ترجیحات زندانی را لحاظ نمایند. براساس پاراگراف اول از ماده ۷۶، و نیز اصل ۸ از اصول بنیادین مربوط به اصلاح بزهکاران، کار در زندان باید با اجرت باشد و بتواند توانایی‌های زندان در اداره آبرومندانه زندگی را حفظ و یا بهبود بخشد. ضمن اینکه شرایط و قواعد کار در زندان نیز باید شبیه کار در محیط بیرون از زندان باشد.

۵-۷. چالش‌ها و مشکلات قواعد استاندارد حاکم بر زندان

اگرچه طول سال‌ها قوانین زیادی در ایران در رابطه با حقوق حاکم بر زندان تدوین و تا حدودی به اجرا نیز درآمده است اما متأسفانه باید گفت در مواردی نیز با مشکلات و چالش‌هایی روبرو بوده‌ایم که این چالش‌ها مانع از تحقق هدف اصلی زندان که همان اصلاح و تربیت و بازپروری مجرمان می‌باشد، گردیده است. امروزه از طرفی شاهد نقض حقوق زندانیان در زندان‌ها هستیم و از طرفی دیگر تورم در جمعیت زندانیان یا اشیاع زندان‌ها، سوءتغذیه، نبود مراقبت‌های پزشکی، شیوع بیماری‌های واگیر و عفونی، تجاوزهای جنسی، فساد رفتاری، شیوع بیماری‌های ویروسی و مرگبار همچون ایدز، سلامت جسمی و روحی ایشان را در خطر قرار داده است. باید تأکید

زندان‌های استان نیز می‌توانند اجازه ملاقات در وقت اداری را صادر نمایند (۱۴).

۵-۶-۵. تربیت و آموزش‌های حرفه‌ای ضمن محکومیت زندانیان

ماده ۷۷ مجموعه قواعد حداقل نحوه رفتار با زندانیان، هنجارهای بین‌المللی بر ضرورت آموزش و تحصیل زندانیان، الزامی نمودن این آموزش برای جوانان زندانی و بی‌سوادی‌ها از یک سو و پیش‌بینی و تلفیق این برنامه‌ها در نظام آموزشی هر کشور به گونه‌ای که این دسته بتوانند تحصیلات خود را پس از آزادی، بدون دشواری ادامه دهند تأکید می‌کند.^۱ پاراگراف هفتم از اعلامیه کامپالا درخصوص شرایط زندانیان در آفریقا صراحتاً تحصیلات و آموزش حرفه‌ای را تسهیل‌کننده بازپذیری زندانیان در جامعه پس از آزادی می‌داند. اصل هشتم از اصول بنیادی مربوط به اصول بنیادی رفتار با زندانیان نیز ضرورت دستیابی به یک شغل مفید با اجرت را یادآوری و بر نقش آن در آماده‌سازی و تسهیل ورود آنان به بازار کار، رفع نیازهای مالی خود و خانواده تأکید می‌کند. در زمینه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین تدوین قوانین حرفه‌آموزی و اشتغال به کار زندانیان پیش‌بینی شده است در این سیستم که هدف اصلاح و تربیت زندانی و بازپروری زندانی برای بازگشت به جامعه می‌باشد و در همین راستا هزینه زندان نیز کاهش می‌یابد (۱۵).

البته این آموزش صرفاً نباید در مورد زندانیان باشد و ضروری است که در مورد خانواده وی نیز انجام بپذیرد. آنچه مهم است اینکه در غیاب سرپرست خانواده، خانواده حفظ شود و آنچه

^۱ به موجب این ماده که در دو قسمت تدوین شده است «تدارکات لازم برای آموزش بیشتر به همه زندانی‌هایی که توان بهره جستن از آن را دارند، از جمله تعلیم مذهبی در کشورهایی که امکان آن وجود دارد، باید فراهم شود. آموزش افراد بی‌سواد و زندانی‌های نوجوان باید اجباری بوده و مورد توجه ویژه مسئولین اداره زندان قرار گیرد.

آموزش زندانی‌ها باید تا حد ممکن با سیستم آموزشی کشور همگون باشد تا آنها بتوانند پس از آزادی به تحصیلات خود بدون دشواری ادامه دهند.»

زندانیان که برای پیشبرد اهداف امنیتی نهاد زندان ضروری نبود و نقض استانداردهای عقلانی بازرسی و شرایط توقیف مذکور در اصلاحیه چهارم قانون اساسی دانسته شد (۱۸).

در ادامه خلاءهای قانون در ایران باید گفت یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات‌های اجتماعی اشاره شده بود، ولی در قانون مجازات اسلامی جدید این عبارت حذف شده است. این در حالی است که در سند استانداردهای حداقلی حاکم بر اقدامات جایگزین حبس کاملاً به مشارکت مردم اشاره و تأکید شده است: "مشارکت و درگیری جامعه در فرآیند اقدامات جایگزین حبس مخصوصاً درمان مجرمین."

۵-۷-۲. بعد اجرایی

در زندان افراد با فرهنگ‌ها، مذهب‌ها و تحصیلات مختلفی در کنار هم زندگی می‌کنند که این تنوع و پیچیدگی دارای عواقب نامطلوبی در زندان می‌گردد. در این راستا بسیار مشاهده شده که زندانیان در زندان‌ها به دلیل بی‌توجهی مسئولان به فرهنگ افراد و نگهداری آنان در محلی که افراد با فرهنگ‌های مختلف نگهداری می‌شوند، منجر به خسارت‌های جانی و مالی بسیاری گشته است. متأسفانه در قوانین ایران قانونی که به این مورد پرداخته باشد وجود ندارد. این مورد هم از لحاظ برخورد زندانیان با عقاید و فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر و هم از لحاظ برخورد نامناسب مسئولین و مأموران زندان با زندانیان قابل توجه است. نکته قابل توجه در این پژوهش این است با اینکه در قانون مجازات اسلامی برای افرادی که حقوق زندانیان را نقض می‌کنند قوانینی ذکر شده اما به نظر می‌رسد این ضد فرهنگ نهادینه شده که باید با زندانی و متهم رفتار نامناسب داشت به دلیل این‌که مأمور یا کارمند زندان آموزش ندیده و یا مجرم محکوم به شکنجه است و... بیشتر از قوانین در جامعه رسوخ کرده است. از سویی وجود خلاء اجرایی و نبود نظارت کافی بر این موضوع دامن زده است. این در حالی است که زندانی حق برخورداری از

نمود فقدان پرسنل آموزش‌دیده، مجرب و متخصص و نبود منابع مالی کافی در زندان‌ها و نیز عدم اجرای صحیح قوانین و نبود نظارت‌های لازم، عدم هماهنگی در دستگاه جزائی، منجر به عدم اجرای عدالت و تضییع حقوق این گروه از جامعه می‌گردد.

۵-۷-۱. بعد قانونی

از جمله چالش‌های موجود در قواعد استاندارد حاکم بر زندان وجود خلاءهای قانونی است. در این راستا می‌توان به بازرسی‌های زندانیان اشاره نمود که شامل بازرسی از روی لباس، درآوردن لباس یا تفتیش اندام‌های داخلی فرد متهم باشد. این موارد می‌توانند تجاوز بر حریم خصوصی جسمانی زندانی محسوب گردند. به طور کلی استاندارد خاصی در این زمینه در قوانین ایران وجود ندارد. در فصل دوم لایحه حمایت از حریم خصوصی به بازرسی‌ها، اقسام و شرایط آن پرداخته شده است. در بند دو ماده ۳۱ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها نیز بازرسی بدنی به طور کلی در زمان ورود و خروج زندانی برای جلوگیری از ورود کالاهای ممنوعه مجاز شمرده شده است. این بازرسی بدنی محدود به زمان ورود و خروج زندانیان بوده اما اینکه تا چه میزان این بازرسی بدنی می‌تواند به سایر موقعیت‌ها تسری یابد و اینکه بازرسی اعضای داخلی بدن را نیز شامل می‌شود یا خیر، مسکوت مانده است. متأسفانه خلاءهای قانونی در این موارد منجر بروز مشکلات و ضایع شدن حقوق زندانیان گشته است (۱۷).

در این راستا اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا به محفوظ بودن جان، املاک، اوراق و اسناد افراد در برابر بازرسی غیرقانونی اشاره دارد.^۱ در مورد این اصلاحیه حوزه‌های قضایی متعددی در آمریکا حق حریم خصوصی خاصی را برای زندانیان قائل شدند که به موجب آن زندانیان از بازرسی و توقیف غیرمعقول محفوظ دانسته شده‌اند؛ برای مثال؛ در قضیه ایالت متحده آمریکا در مقابل هینکلی، بازرسی اوراق محرمانه

^۱ The fourth amendment to United States Constitution provides

یک مأمور مراقب باشد در حالی که در کشور ما برای هر ۱۴۰ نفر زندانی یک نفر مأمور مراقب وجود دارد و نیز برای هر ۹۰ نفر زندانی یک مددکار باید در نظر گرفته شود. در حالی که در زندان‌های کشور ما به ازای ۱۱۴۵ نفر زندانی یک مددکار وجود دارد (۱۹).

ناگفته نماند در حقوق ایران قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با هدف کیفرزدایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون، ضمن کاستن از مجازات نه فقط زندان) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه‌آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاه‌ها را تغییر داد. اما این قانون با نقایص و ایراداتی همراه بوده است. اولین نکته اینست که بر خلاف نام قانون که کاهش مجازات است در برخی موارد قوانین به سوی تشدید مجازات پیش رفته‌اند. همچنین برخی از الزامات در قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری بر خلاف اصول شناخته شده حقوق کیفری است، مثلاً الزام قضات به تعیین حداقل مجازات حبس برای مجرمین و تأکید بر تعیین مجازات به بیش از حداقل با ذکر دلیل، با اصل فردی کردن مجازات در تعارض است و دفاع جامعه در قبال بزه و بزهکاران را با چالش مواجه می‌نماید.

به طور کلی بر اساس ایرادات و اشکالاتی که بر این قانون وارد شده می‌توان تصریح نمود که نقاط ضعف قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بیشتر از نقاط قوت آن است و همین مانع از اجرای صحیح و تضمین حقوق زندانیان خواهد شد و با قواعد استاندارد در تضاد قرار می‌گیرد.

۵-۸. مشارکت نهادهای خصوصی و عمومی در اجرای

مؤثر قواعد حاکم بر زندان

رویکرد مشارکتی در فرهنگ کهن ایرانیان چه پیش از اسلام یعنی از روزگاران باستان و چه در تعالیم اسلامی مورد توجه بوده است. در اسناد و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، بویژه در

رفتاری منطبق با حیثیت ذاتی انسان را دارد. در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است درباره‌ی کلیه کسانی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار نمود براساس ماده ۱۷ قرارداد ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۹۴۹ شرافت و حیثیت متهم نباید مورد تعرض غیرقانونی قرار گیرد. همچنین در قانون استانداردهای حداقلی برای تعامل با مجرمین به اصل احترام به باورهای مذهبی و اخلاقی، اصلی که زندانیان خود را متعلق به آن می‌دانند، پرداخته است. مطابق ماده (۱) ۴۱ مجموعه قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان چنانچه در زندان، تعداد کافی از پیروان یک مذهب، موجود باشند، بایستی یک نماینده مذهبی صلاحیت‌دار منصوب گردد و چنانچه شمار زندانیان، تمام‌وقت بودن امور مذهبی را توجیه نماید و شرایط موجود نیز اجازه چنین ترتیبی را دهد، بایستی اینگونه عمل شود. بدیهی است که نماینده مذهبی فوق، باید اجازه برگزاری مراسم و مناسک مذهبی را داشته و هرازگاهی با زندانیان هم مذهب خود، در زمان‌های مقتضی، ملاقات خصوصی داشته باشد.

از دیگر چالش‌های قابل بیان در مورد قواعد استاندارد حاکم بر زندان، تراکم جمعیت زندان، کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان، و کاهش استانداردهای محل اقامت آنها است که به دلیل فزونی جمعیت زندانیان، برنامه‌های اصلاحی در این زمینه ناموفق بوده و مسئولین نتوانسته‌اند در بعد اجرایی به اندازه لازم به رفع مشکلات زندانیان بپردازند. این موضوع در قواعد بین‌المللی و در قانون استانداردهای حداقلی برای تعامل با مجرمین به صورت مطلوبی بیان شده است. در بخشی از این قانون به ویژگی‌های مطلوب محل اقامت (مخصوصاً محل استراحت و خواب) اشاره داشته و بر وجود استانداردهای مشخصی مانند «فضای مناسب، «سرمایش و گرمایش، «تهویه، «نور و غیره تأکید می‌نماید.

کمبود مأمور مراقب و مددکار زندان در کشور مورد دیگری می‌باشد که به وضعیت نابسامان زندان‌ها و زندانیان افزوده و روند رسیدگی به اهداف را با شکست روبرو ساخته است. بر اساس استانداردهای بین‌المللی باید در قبال هر نفر زندانی،

است. این شیوه کنترل می‌تواند ضمن ایجاد زمینه گفتگو و تعامل سازنده با مدیران زندان، نقش تعیین‌کننده‌ای در انجام اصلاحات درون زندان جهت دستیابی به اهداف تعیین شده ایفا کند. این بخش از قواعد ماندلا (قواعد ۸۳ تا ۸۵) درخصوص بازرسی‌های بیرونی و درونی در مقایسه با نسخه اولیه در ۱۹۵۵ پیشرفت چشمگیری دارد (۱۶). قواعد جدید در واقع منعکس‌کننده تحولات مهمی است که اخیراً اسناد بین‌المللی و نیز رویه‌های کنترل و بازرسی مستقل در زندان با آن مواجه بوده است. از جمله این تحولات سازوکارهای پیشگیری از شکنجه و نیز بازدیدهای منظم کمیته پیشگیری از شکنجه و سایر رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده و نیز سایر سازوکارهای داخلی بوده است.

در منظومه عدالت کیفری دیگر نمی‌توان به زرادخانه حقوق کیفری به عنوان تنها سازکاری نگریست که از سوی دولت اعمال می‌گردد. توجه اسناد بالادستی و قوانین برنامه‌ای دلالت بر مشارکت سمن‌ها و تکلیف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به همکاری با دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد جهت بااجتماعی شدن محکومان دارد. پس حضور نهادهای خصوصی و عمومی جهت مشارکت در فرآیند کیفری (خاصه در قواعد مرتبط با زندان) می‌تواند به معنی گام نهادن در مسیر خصوصی‌سازی عدالت کیفری تلقی گردد (۲۲).

۶. نتیجه‌گیری

کیفرشناسان هدف از اعمال مجازات زندان را اصلاح و بازپروری اجتماعی فرد می‌دانند و به همین دلیل به منظور تحقق این اهداف، اجرای کیفر حبس را مقید به رعایت قواعد و اصولی نموده‌اند. بر این اساس به لحاظ بین‌المللی، قواعد اجرای کیفر زندان و رفتار با زندانیان و همچنین مدیریت زندان موضوع ارشادات و الزامات بین‌المللی قرار گرفته‌اند. از این حیث، در حقوق کشور ایران، تبلور و تجلی این قواعد مشاهده می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متأسفانه در شرایط فعلی زندان‌های ما، تلاش چندانی برای دستیابی به هدف التزام به قواعد حاکم بر زندان صورت نمی‌گیرد. عواملی

کنگره‌های ششم، هفتم و نهم سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان، مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی در پیشگیری از جرم و اجرای کیفرها مورد تأکید قرار گرفته است. در سیاست جنایی کشورهای توسعه‌یافته، با بهره‌مندی از مطالعات تطبیقی از دهه شصت به بعد، شاهد توسعه اصلاحات مبتنی بر مشارکت اجتماع در عرصه‌های مختلف عدالت کیفری از جمله پیشگیری جامعه‌مدار، اصلاح و بازپروری مجرمان در اجتماع، رعایت قاعده متناسب بودن تعقیب در جهت توسعه جامعه‌مدار و عدالت‌مدار هستیم. در ایران معاصر نیز رویکرد مشارکتی را می‌توان در ابتدا و قبل از انقلاب در خانه‌های اصناف و شوراهای داوری و پس از انقلاب اسلامی در برنامه‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر به منظور پیشگیری از اعتیاد جستجو نمود. با این همه بحث تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم جامعه‌مدار، مشارکت مردم در فرایندهای کیفری، راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف، میانجی‌گری کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مثل کودکان خیابانی و زنان قربانی خشونت خانگی، انجمن‌های حمایت از زندانیان و خانواده‌های آنان و ستادهای دبه و نهادهای ارائه‌کننده خدمات مشورتی و حقوقی رایگان به افراد و زندانیان بی‌بضاعت اشاره کرد (۲۰).

سازمان‌های مردم‌نهاد با آن که از سال‌ها قبل در کشور حضور فیزیکی دارند اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان جدی تلقی نشده و نقش‌آفرینی تأثیرگذاری در فرایند کیفری نداشته‌اند. از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که این قانون در سازمان زندان‌ها نیز مؤثر واقع شده است (۲۱).

این نهاد برخاسته از سیاست جنایی مشارکتی در اعمال کیفر می‌باشد و هدف آن این است تا مؤسسات زندان برابر با قوانین، آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های مصوب در پرتو رعایت حقوق زندانیان و جهت نیل به اهداف تعیین شده اداره شود. هدف از این اقدام، کمک به ایجاد یک محیط امن، مطمئن و انسانی

جا افتادن سیاست‌های مذکور می‌تواند نتایج بسیار مثبت و اثربخشی به دنبال داشته باشد. با مطالعاتی که درخصوص موضوع صورت پذیرفت محرز گردید که فاکتورهایی که نظیر: سوءرفتار نگهبانان و کارکنان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، عدم رعایت بهداشت در زندان، تورم جمعیتی زندان‌ها، نبود فضا و شرایط مناسب از طرفی و از سوی دیگر خلاءهای قانونی و عدم نظارت کافی بر زندان، که بعنوان فرضیه مطرح گردید در اینجا به اثبات می‌رسد بنابراین عوامل فوق از جمله عللی است که چالش‌های کیفرشناختی را درخصوص استانداردسازی زندان‌ها با عنایت به اسناد بین‌المللی ایجاد نموده است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسنده دوم بعنوان نویسنده مسئول و بقیه مؤلفین، به عنوان همکار در تدوین مقاله ایفای نقش نموده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

چون سوءرفتار نگهبانان و کارکنان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، عدم رعایت بهداشت در زندان، تورم جمعیتی زندان‌ها، نبود فضا و شرایط مناسب از طرفی و از سوی دیگر خلاءهای قانونی و عدم نظارت کافی، همه از جمله عواملی هستند که نه تنها منجر به ناکارآمدی مجازات و عدم اصلاح مجرم و جرم‌زدائی می‌گردد بلکه اسباب گسترش جرم و مجرم‌پروری را نیز فراهم آورده است. بنابراین نظر مسئولین به سوی زندان‌زدائی رهنمون نموده است. سیاست‌های کلی قوه قضاییه جهت کاهش استفاده از مجازات زندان رویکرد استفاده از مجازات‌های جایگزین بوده است. در این راستا بررسی مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تصویب و اجرایی شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از یازدهم تیرماه ۱۳۹۹ و همچنین اجرای سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۸ و نیز سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه در بخش قضایی مصوب ۱۳۹۴ درخصوص کاهش استفاده از کیفر حبس، دلالت بر این امر دارد و همچنین بر ضرورت توجه به استانداردهای زندان‌ها و نظارت بر آنها تأکید می‌نماید. در این میان، چگونگی تعامل با زندانی و رعایت استانداردهای بین‌المللی نیز شایسته توجه است و بر تحول کیفیت و کمیت کیفر حبس تأثیرگذار می‌باشد.

اما مشکل دیگری که در این راستا سربرآورده و یکی از مهمترین دغدغه‌های نظام قضایی حاضر به شمار می‌آید عدم پذیرش این نظام جایگزین از سوی جامعه، مردم و حتی دستگاه قضایی می‌باشد. مثلاً از دیدگاه یک فرد عادی آزادی مشروط یعنی عدم اعمال کیفر و کسی که با آزادی مشروط از زندان آزاد می‌شود، به سزای خود نرسیده است. در چنین شرایطی که تفکر حاکم بر عامه مردم از مجازات، سزادهی به مجرم است و نه اصلاح او، اعمال سیاست‌های اصلاحی در مجازات‌ها که نتیجه آن کاهش مجازات زندان است نمی‌تواند مثمر ثمر باشد. بنابراین بهترین راه‌حل فرهنگ‌سازی صحیح و کامل است که هم جامعه را همسو با اهداف نموده و مشارکت مردم و نهادهای مختلف را در پی خواهد داشت و هم در بعد عملی به اجرای آسان و صحیح‌تر قوانین کمک شایان توجهی خواهد نمود. بدون شک سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ جهت

References:

1. Golduzian I. Islamic Penal Code. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly; 2017. (Persian).
2. Fletcher G. Punishment and Responsibility. *Journal of Knowledge*. 2007;82(118):113-22. (Persian).
3. Najafi Aberandabadi AH. New Criminalistics, New Criminology, An Introduction to Dangerous Management Criminal Policy. Tehran: Mizan; 2009.
4. Haji Tabar Firoozjaei H. The Status of Imprisonment Substitutes in the Iranian Criminal Justice System (Present, Future). *Legal Journal of Justice*. 2008;72(64):68-88. (Persian).
5. Marashi SMH. A Comparative Study of Crime and Criminology from the Perspective of Islam and Criminal Science. *Journal of Judiciary*. 2002;12(35):3-6. (Persian).
6. Valipour F. The effect of book therapy on the level of mental health of female prisoners. Tehran: Tarbiat Modares University; 2014. (Persian).
7. Saffari A. Criminology: Developments, Principles and Execution of Liberal Punishment. Tehran: Jangal Publications; 2010. (Persian).
8. Akhundi M. Criminal Procedure Code. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2011. (Persian).
9. Ebrahimi S, Izadi A. Comparative Study of Correctional and Treatment Strategies in the Implementation Stage of Prison Punishment, in Iran and Canada. *Journal of Criminal Law*. 2012;3(2):29-60. (Persian).
10. Moazami S. Delinquency of Children and Adolescents. Tehran: Justice Publishing; 2013. (Persian).
11. Daneshpayeh L. The educational effect of the Center for Correction and Education in the rehabilitation of children and adolescents contrary to the law. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2014. (Persian).
12. Mir Kamali SA, Hosseini E. Center for Correction and Education from the Perspective of Growth Prevention. *Criminal Law Research*. 2015;4(13):120-9. (Persian).
13. Islami Moghadam T. Women Prisoners, Challenges, Developments. *Journal of Correction and Education*. 2010;2(105):27-33. (Persian).
14. Mohammadnejad P. Meeting with prisoners in the executive regulations of the prisons organization and security and educational measures of the country. *Correction and Training*. 2014;5(30):32-5. (Persian).
15. Naserpour H, Mirdorghi V. A Study of Prisoner Rights in Prison. *Afagh Monthly Magazine*. 2020;4(40):83-95. (Persian).
16. Mehri H. Prison and its effects on prisoners and criminals. *Journal of Legal and Judicial Research*. 2017;3(11):1-17. (Persian).
17. Warren S, Brandeis L. Louis Brandeis, The Right to Privacy. Canada: Peiertc Publishing; 2019.
18. Moradi Q, Moradi MH. Practical and theoretical factors of inefficiency of imprisonment. *Qanun Yar Magazine*. 2018;2(5):173-95. (Persian).
19. Jamshidi A. Participatory criminal policy. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2011. (Persian).
20. Varvaei A, Mohammadi H, Nourian V. Participation of Non-Governmental Organizations in the Criminal Process. *Journal of Private and Criminal Law Research*. 2016;4(28):23-7. (Persian).
21. Chovgan V, Le principe des limitations inhérentes à la détention: la valeur incertaine des Règles Mandela, *AJ Pénal*; 2015.
22. Koushki GH. Non-Governmental Organizations from Inactivity to Active Participation in Prosecution. *Public Journal of Criminal Law Research*. 2013;2(4):65-86. (Persian).

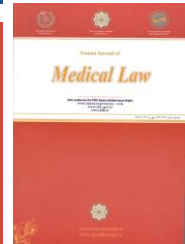


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Criminological Challenges in Standardization of Prison in the Light of International Documents

Behzad Momeni Moghaddam¹, Hassan Hajitabar Firoozjai^{2*}, Mahdi Kazemi Juybari³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 17 July 2021

Accepted: 21 November 2021

Published online: 12 March 2022

Keywords:

Prison

Regulations Governing Prison

Criminology

International Documents

* Corresponding Author:

Hassan Hajitabar Firoozjai

Address: Department of Law,
Ghaemshahr Branch, Islamic Azad
University, Ghaemshahr, Iran.

Postal Code: 47651-61964

Telephone: 11-42155025

Email: hajitabar@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: With the expansion in the population of prisons in Iran and the international considerations related to the emphasis on implementing the systematic principles and regulations in a prison environment, rethinking and doing pathological research about implementing the rules governing the prison has gained importance. The goal of the present study is the criminological challenges of standardizing the regulations governing the prison in Iran with a glance at the international documents.

Materials and Methods: This descriptive-analytical research uses a documentary and note-taking method for advancing the study objective.

Results: The study findings signified that the regulations governing the prison have a multiplicity of rulings in Iran's laws, especially the guidelines of the prisons organization and regarding the training and security measures and the related international documents, as well, have not been adequately taught and are not being very well implemented. In addition, maximal exigency-preference by the executive-judicial institutions in interaction with inmates has caused distancing away from adherence to regulations governing the prisons and divergent treatment of each of the persons sentenced to incarceration.

Ethical considerations: Principles like honesty and trustworthiness have been observed from the beginning of the article to the end.

Conclusion: Under the current conditions, no serious effort is made in our prisons for achieving the goal of remaining adherent to the prison regulations. Factors like misbehavior by the guards and staff members towards the prisoners, method of keeping the prisoners, non-observance of hygiene principles inside the prison, population burst inside the prisons, lack of proper room and conditions, on the one hand, and the other legal gaps and insufficient supervision, on the other hand, are amongst the factors that have not only led to punishments' ineffectiveness and non-correction of the criminals and decriminalization but also set the ground for the expansion of crimes and adding to the number of criminals.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Momeni Moghaddam B, Hajitabar Firoozjai H, Kazemi Juybari M. Criminological Challenges in Standardization of Prison in the Light of International Documents. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).